

آفات متدینین جلسه سوم

حجت الاسلام روح

هیئت رایه الشهداء

اعوذ بالله السميع العليم من هوانا و من الشيطان اللعين الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمومنين و لا يزيد الظالمين الا خسارا. سلامتی وجود پاک و مقدس مولایمان حضرت بقیه الله الاعظم صلوات مرحمت بفرماید.

عرض ما به اینجا رسید که هر پدیده ای می تواند آفت یا آفاتی را متحمل شود. دین خدا هم یک پدیده اجتماعی است تاکنون بارها و بارها آفت گرفته، در ست به همین جهت است که خدای قادر متعال هی پیغمبر برده هی پیغمبر عوض کرده و عوض کرده، شما ملاحظه می فرمایید زمان حضرت نوح سلام الله و صلواته علیه، یک بار زمین پاک سازی شده، اقوام متعددی بت های متعددی را می پرستیدند خدای سبحان ۵ تا از این بت ها را در قصه حضرت نوح مطرح کرده یعنی به وفور بت پرستی داشتیم در زمان حضرت نوح سلام الله علیه. ۹۵۰ سال هم دعوت کرد فایده ای هم نداشت جز عده اندکی کسی بهش ایمان نیاورد حسب آن چه که نقل شده گفتند ۷ نفر یعنی تقریبا از هر ۱۲۵ سال یک نفر به نوح سلام الله علیه ایمان آورده چه حوصله ای داشت این آقا ۱۲۵ سال آدمی را دعوت کنند یک نفر ایمان آورد یا گفتند ۹۹ نفر ایمان آورد که تقریبا هر ۱۰۰ سال است. بعد که طوفان نوح آمد یک بار بشر را لوله کردند جمعش کردند که پاکسازی کرده باشند. خوب پاکسازی شد دیگر بشر سالم شد؟ نخیر، رفتیم جلو و جلو دوباره زمان ابراهیم خلیل شد یکی از معضلاتی که ابراهیم خلیل باهاش مواجه بود باز مشکل بت پرستی بود یعنی آن مرض زمان نوح دوباره برگشت. ابراهیم خلیل آمد مبارزه کرد چکار شد و چکار نشد بت ها را شکست که داستان هایش را شنیدید. خوب در هر دوره ای آفاتی را شاهد هستیم دین در ادوار مختلف دچار آفات مختلف شد. یعنی متدینان از دین برداشت های ناصوابی داشتند. دوره رسید به موسی کلیم سلام الله و صلواته علیه، بدانید که توراتی که الان در دست ما هست خداوند بیخشد مثل یک آدمی که در چرخ گوشت می اندازی له و لورده اش کند بیندازد بیرون، این همه بلا سر تورات آوردند. همین الان توراتی که الان در دست ما هست هنوز قسمت های متعددی از آن مثل الماس می درخشد با این همه بلا که سر تورات آوردند. کار به جایی رسید که عالمان اهل کتاب خیلی هایشان جز اندکی در قرآن کریم تصریح بکار می برد می گوید نسبت به ربا حساسیت نداشتند. نسبت به محرّمات عالمان بزرگ اهل کتاب حساسیت نداشتند نسبت به ظلمی که به بندگان خدا می شد حساسیتی نداشتند. مجبور شدیم کار به جایی رسید خدا در قرآن کریم می گوید اگر راست می گوید تورات را بیاورید ما ببینیم یعنی دیگر حتی متن کتاب مقدس در اختیار توده مردم قرار داده نمی شد تورات در دست یک عده خاص بود. باز مجبور شدیم پیغمبر را عوض کنیم حضرت مسیح سلام الله و صلواته علیه آمد مسیح که آمد اشکالات اهل تورات برطرف شد یا اینکه نه، باز آن دین با آفات دیگری مبتلا شد؟ قرآن کریم توضیح می دهد می گوید مسیحیت که آمده یک عده از مسیحیت بجای اینکه بگویند ما باید میدان دار باشیم وسط صحنه باشیم آمدند گوشه گیری کردند رهبانیتی که در فارسی تلفظ می کنید به عربی رهبانیت نص قرآن

کریم که ما در فارسی می‌گوییم رُهبانیت یعنی گو شه‌گیری، عالمان انجیل که باید میدان‌دار می‌شدند تو ضیح می‌دادند که راه درست این است راه غلط این است بجای اینکه این کار را بکنند شد راهب در دیری، دیر کجا بود؟ ببینید الان اینجا وسط بازار است اگرچه عیبی است دو هفته قبل که آمدم به یکی از متدینین گفتم این عیب را برطرف کنید واقعا بد است مسجد خانه خدا در یک مکان این چنینی یک دفعه پنجره پای خیابان دارید حرف می‌زنید. متدینین که صدای من را می‌شنوید این عار را از این مسجد بردارید چه وضعیت سیستم بهداشتی شما هست؟ آدم باید یک دوره آموزش ببیند که چطور بنشیند که نه سرش نه تهش به دیوار بخورد، می‌خواهی بالا بروی پایین بیایی انگار از کوه بالا پایین می‌روی چرا این کار می‌شود؟ مسجد الزهرای احمد آباد یک بار برای رضای خدا بروید ببینید چه خبر است؟ راه دوری نیست آن هم مسجد و این هم مسجد است شما حیات هم دارید فضا هم دارید البته شنیدم اختلافاتی بین شما هست آقا این که می‌گوییم همه تان بلدید زمان امیر المومنین دو تا مادر سر یک بچه دعوایشان شد این گفت مال من است آن گفت مال من است حضرت امیر چه حکمی کرد؟ گفت بچه را بگذارید وسط دو تا مادر بکشندش، کشیدند یک دفعه دست بچه درد گرفت تا دست بچه درد گرفت آن که مادر بود و لش کرد آن که مادر نبود بچه را بغل کرد گفت حق به حق دار رسید حضرت امیر گفت اتفاقا اینطور نیست بچه را بگذار پایین آن که مادر است درد بچه را که احساس کند آخ که گفت بچه را ول می‌کند. متدینین این شناخت را بردارید عیب است بد است شما در محله ای نیستید که محله فقیر نشین مشهد باشد که دستشوییش کج و موج باشد صد رحمت به سیستم بهداشتی قطار. بد است این شناخت را بردارید این عیب را بردارید امیدوارم انشاء الله همتی نکنید هر چه دعوا دارید سر دین خدا که نباید با هم دعوا کنید. شما می‌گویید اینجا مال من است خوب مال شما پدر بزرگ شما و آبا و اجدادتان، خوب باشد برای شما باشد، آن یکی آقا می‌گوید مال من است مسلمان‌ها وقتی می‌نویسید مسلمان‌ها هم بیایند مسجد در این دوره باید بیایند مسجد خوب وقتی بیاید یک چیزی هم، بی‌مایه فطیر است دیگر. از شاء الله که عذر من را بپذیرید.

دوره به دوره م‌سیح سلام الله علیه که رسید یک عده ای با رهبانیه ابتدعواها، رهبانیت درست کردند خودشان ابداع کرده بودند می‌گفتند ما می‌رویم در دیری زندگی می‌کنیم نه که در شهر مسجد درست کنیم اینطوری نه، کجا؟ یک بیابان خدایی یک جایی بالاخره فرض می‌کنیم خیلی آدم خوبی هستیم چشممان به نامحرم نمی‌افتد می‌خواهیم نماز بخوانیم، بخوان، بور غار پیدا کن. اسلام چنین چیزهایی را نمی‌پذیرد حالا شب‌های بعد عرض خواهم کرد. این دین مستعد این است که متدینانش کج بروند، این دین یعنی اسلام، عرض کردم خدا از اول خلقت تا الان تا آخر یک دین بیشتر نفر ستاد، ان‌الدین عند الله الاسلام، هر پیغمبری هم که آمد معاینی که به نام اسلام آمده بود را سعی کرد برطرف کند گفت این عیب نیست این عیب نیست ربطی به دین خدا ندارد. سوال، آیا پیغمبر اکرم که آمد ۲۳ سال خون جگر خورد متدینین خیال نکنید من اینجا نشستم صحبت می‌کنم صدایم را می‌شنوید پیغمبر بلا تشبیه مثل من سخنرانی می‌کرد. مطلقا این طوری نیست پیامبر خون جگر خورد که این دین به من و شما رسید در جنگ احد دندان پیغمبر را شکاندند. یکی داد زد پیغمبر کشته شد بعضی از مسلمان‌ها فرار کردند چه خون جگرها خورده شد که اسلام به من و شما رسید این را جای دیگر هم گفتم آیت الله جوادی آملی را تقریبا همه تان حداقل در تلویزیون دیدنش. ایشان اسمش آیت الله آقای عبدالله جوادی آملی واعظ هست پسوند دارد پدرشان منبری بود تعبیر آقای جوادی بالای منبر این بود فرمود رضا خان بلایی در این کشور آورده

بوده دستور داده بود اوایل که روضه خانی ایجاد می کرد بعد که مستقر شده بود دستور داده بود هیچ کسی حق اقامه روضه و عزای سید الشهداء را ندارد ایشان تعبیرش این بود فرمود بابای من یک سالی روز عاشورا ماه محرم خواست روضه بخواند از در خانه جرات نمی کرد بیرون برود در خانه نردبان گذاشتند به دیوار همسایه بغلی، بابا از نردبان رفت بالا و دوباره از نردبان آمد پایین در خانه بغلی روضه خواند از آن خانه دوباره نردبان را گذاشتند برای خانه بغلی تا ۱۰ خانه ایشان فرمود بابای من این طوری رفت بالا و آمد پایین رفت بالا و آمد پایین. مفت انقلاب دست ما نرسیده و اسلام واقعا گران دست ما رسیده است. اگر امروز کسی فکر کند این دین این نهضت این انقلاب به آفت مبتلا نمی شود دین خدا را خوب یا غلط فهمیده است؟ قطعاً غلط فهمیده، بدون شک، سابقه تاریخی دین نشان می دهد که نه فقط دشمنانش علیه او توطئه می کنند دوستان این دین هم سر این دین بلا می آورند. یعنی در این جهت دو ست و دشمن مثل دو لبه یک قیچی عمل می کنند به ظاهر فاصله دارند از همدیگر، ولی در واقعی کار انجام می دهند.

کار به جایی رسید یکی از علمای خوش ذوق اسلام به نام مرحوم آقا جمال خوانساری رضوان الله علیه در عصر خودش دید چقدر پرت و پلا به نام دین به مردم دارند تحول می دهند یک کتابی نوشت به نام کلثوم ننه، شنیدید می گویند این مطلب در کتاب کلثوم ننه هم نیست؟ کلثوم ننه واقعا یک کتاب است آقا جمال خوانساری پرت و پلاهایی که به نام دین جمع شده را ایشان جمع و جور کرده آورده که این طوری و این طوری است. تا همین الان چهار شنبه سوری از بین شما و افتاد یا نیفتاد؟ بی دل و جان به سر شود بی تو به سر نمی شود. در چهار شنبه مراسم قاشق زنی حتما شنیدید و به گوش مبارکتان آشنایی دارد و هزار و یک عنوان دیگری که دارد، چکار کنیم؟ برادران، همه ما وظیفه مان این است که هم دین را خوب بفهمیم هم مواظب باشیم آفت بر نداریم دین خدا آفت بر ندارد و ببینید همین الان زیارت عاشورا با هم نخواندیم؟ خواهش می کنم به دقت عرض من را گوش کنید این زیارت عاشورا صاحب زیارت که از ائمه وارد شده، در دعای کمیل یک جایی است می گوید سه بار بگو یا رب یا رب یا رب، در دعای ابو حمزه همان اولش می گوید امام سجاد چند بار گفت یا رب؟ گفت انقدر گفت تا نفسش قطع شد، یعنی یا رب یا رب یا رب یا رب یا رب همینطوری بگو تا آخر. اما دعای کمیل گفت سه بار بگو یا رب یا رب یا رب. شب های احیا که یادتان است شب های احیا قرآن به سر می کنیم بستگی دارد مداحش چه کسی و روضه خوانش چه کسی باشد هر امامی یک روضه پشت سرش بخواند بمحمد و علی و بالحسن بالحسن، از بعضی ائمه هم راحت رد می شود چون روضه یادش نیامده است. همین آقای جوادی در قم خواست مراسم شب احیا بگیرد یک ربع تمام. تازه خیلی هم آرام خواند انقدر طول کشید. به قدری طول و تفصیل های بی خاصیت بهش می دهند آقا ساعتش را نگاه می کند بابا از حرم تا به خانه برس سحری نمی رسیم اینها ول کن معامله نیستند می گوید این یکی هم یاد آمده این هم بگویم نصیحت کنم همان جا یادش می آید گران فروشان را نصیحت کند دخل این و آن را در بیاورد. خیلی چیزهای دیگری این طوری است آن که به من و شما دادند شما فرض کنید شماره تلفن شما دستتان باشد شماره آخرش ۱۹ باشد، داداش ما شماره اش ۱۹، نخیر ۲۰، صد دفعه هم بگیری تا صبح کسی خانه نمی گیرد آقا جان الکی یک نمره کم کنی کلید خانه تان یک دنده اش کم و زیاد باشد باز نمی کند. گو شی های همه تان کلید دارد رمز دارد رمزش را کمی کم یا زیادش کن یک کلمه اضافه کن، جواب نمی دهد. دین خدا حساس است برادران. از هیچ کسی کم و زیاد کردن را نمی پذیرد. انقدر بلا به سر زیارت شریف عاشورا آوردند بی سوادها یک جور باسوادها یک جور، یک جایی رفتند دیدند دارند می

خوانند چطور، طلب ثاریک یک مزخرفی که نه عرب و نه عجم قبولش دارد، طلب ثاری، یعنی انتقام خودم را بگیرم، طلب ثارکم یعنی انتقام شما را بگیرم، طلب ثاریکم یک عرب عجم زبان ترجمه کند یعنی چی؟ یعنی انتقام خودم و شما را یک جا بگیرم. آخر نداریم این ترکیب در زبان عربی نیست.

حاج شیخ عباس در مفاتیح نفرین کرد کسی را که در مفاتیح دست ببرد، نفرین کرد، اول مفاتیح را نگاه کنید نفرین کرد فرمود هر کدامتان می خواهید کاری بکنید یک کتاب مستقلی خودتان چاپ کنید مرحوم آقای مشکینی مفاتیح را دیده بود درش اشکالاتی داشت کتاب تازه ای چاپ کرد چاپ شد ولی جا نیفتاد، م صباح المنیر آقای مشکینی را شاید دیده باشید کتاب دعا هست کتاب خوبی هم هست ولی جا نیفتاد، مثلا مرحوم آقای مشکینی دیده بود که وقتی آدم ها می خواهند دعا بخوانند حرم شیبیتی علی الانف شیبیه ریش سفید را می گویند، ایشان دیده بود ریشش سفید است در عربی شیبیه که ریش سفید را می گویند، ایشان درست کرده بود حرم شعری علی الانف، شعر یعنی ریش سیاه، دیده بود ریش سفید، درست شد. در مفاتیح دست نبرد. آیت الله مکارم که زنده است اشکالاتی بر مفاتیح دید ولی آقا شیخ نفرین کرد گفت اگر هنر داری خودت چاپ کن، ایشان هم کتابی چاپ کرد به نام مفاتیح نوین کتاب خوبی هم هست اگرچه آن هم اشکالاتی دارد اما دست نبرد. من رفیقی دارم زیارت عاشورا را برای مثلا شادی روح پدرش برداشته نسخه جدیدی چاپ کرده آنجا نوشته بود السلام علی الحسین و علی ابن الحسین و علی قمر بنی هاشم اخی الحسین، آقا نکنید تو را به خدا با دین خدا بازی نکنید. من قرآن های قبل از انقلاب را دیدم آنهایی که هم سن و سال من هستند حتما دیدند، قرآن هایی که چاپ شده بود یا سبحان الله بالایش نوشته بود بد خوب وسط، نزدیک بود صد آفرین هم بنویسند خدا رحم کرد به برکت انقلاب این پرت و پلا را از قرآن کریم حذف کردند. غلط است این کار را حق نداریم داشته باشیم. همه مان باید حساس باشیم کم و زیاد کردن اجزا و ارکان دین حساس است چون اولش یک کلمه است بعد هی یکی یکی اضافه می کند نظامی خطاب کرده به رسول خدا می گویند یا رسول خدا بلایی به سر دین تو آوردند که اگر بیایی نگاه کنی می گویی من این دین را نیاورده بودم اصلا نمی شناسی این دین چه کسی هست؟ بس که بیستند بر او برگ و ساز گر تو بینی شناسیش باز.

هفته گذشته عرض کردیم چند نوع برداشت در دین وجود دارد یک عده ای می گویند دین کاملا امر شخصی است یک رابطه بیشتر را نمی خواهد مطرح کند می خواهد بگوید من با خدا چکار و خدا با من چکار کند. کاملا امری شخصی و صرفا بیان کننده رابطه فرد با خدا است دیگر با همسایه چه خبر با پدر و با مادر چه خبر اینها دیگر ربطی به این ندارد. یک عده ای دین را این طوری برداشت می کنند. لذا بعضی مواقع می گویند به نظر من، این دیگر نخوانده ملا هم هست، به نظر من، در هیچ حوزه ای به نظر من ارزش ندارد. یعنی در میدانی که نشستند آقا بیاید وسط بگوید به نظر من، کله اش را آنجا می شکنند حق اظهار نظر در آن جهت نداری، اما دین خدا هست یکی هم حق دارد بگوید به نظر من، این یک. دو، تند می گویم چون هفته گذشته اینها را توضیح دادم. دو، دین آمده برای برخی اوقات خاص، مثلا ماه مبارک رمضان نماز می خواند روزه می گیرد با دین می شود مسجد می آید غیر ماه مبارک رمضان دیگر کار نداریم تا سال آینده انشاء الله الرحمن. حاجی حاجی را کجا ببینم ماه رمضان مکه ماه رمضان. سه، گفتیم یک عده ای هستند از دین فقط تحقیقات علمیش را می فهمند. آقا دین تحقیقات علمی هم دارد ولی بالاخره نتیجه تحقیقات علمی باید بیاید سر کوچه بازار. دین هم تحقیق می خواهد هم تحقق می خواهد یعنی عینیت باید بخشید دین باید بیاید در جامعه. شما سال ها دین را بخوانی بنویسی این دین آن دین

نیست که خدا و پیغمبر می خواست انبیا دین را نیاوردند که از رویش این نسخه بنویسد بدهد دست او و او بنویسد، شما پیش پزشک می روی پزشک نسخه را می نویسد که چکار کنی؟ بهش احترام کنی دیگر. یکی خط پزشک را خیلی خوشش می آید. دیدید در زمان های ما چطور قرآن های شاخ داری می نویسند؟ یک قرآن می نویسد که رستم باید آن را ورق بزند، ما شاء الله کدام پیغمبر گفت اینطور قرآن؟ امیر المومنین فرمود جاهل را ندیدم بلا نسبت الا اینکه یا افراط می کند یا تفریط، یا یک قرآنی می آورد که یا سبحان الله رستم باید ورقش بزند، من دیدم بعضی قرآن ها را نوشته روی یک دانه گندم یا یک دانه برنج چشم رستم و اسفندیار و فلان هم روی هم بیاوری بگذاری نمی توانند ببینند اسمش را می گذارند هنر مثلا. دیدم روی تابلوهایی نوشته شاید شما هم دیده باشید کل قرآن یک جا، یک کلمه اش را نمی شود خواند، این چنین قرآن را پیغمبر آورده؟ امیر المومنین اینطور قرآن می نوشت؟ حضرت ابو الحسن الرضا اینطور قرآن می نوشت؟ این هم یک گروه. گروه چهارم را عرض کردیم گروهی هم هستند که دین را به عنوان پناهگاه روز سختی هایشان می خواهند استفاده کنند هر وقت کارشان گیر می کند می گویند یا الله. لذا گفتیم اینها معمولا در بیمارستان ها اسم خدا را می برند جایی که شادی و امثال اینها باشد آنجا دیگر اسم خدا معنایی ندارد. در صندلی هواپیما می خواهد بنشینند آنجا بسم الله الرحمن الرحیم در خانه خودش روی میز نهار خوری می خواهد بنشیند بسم الله ندارد زمین است دیگر نشستیم دیگر، ترسی ندارد. روی میز خانه خودش بسم الله لازم ندارد قطار و امثال اینها که می خواهیم سوار شویم موج های آبی تشریف ببریم آنجا بسم الله الرحمن الرحیم آیه الکرسی بخوانیم و آیات دیگر را که خدای ناکرده استخوانمان در نرود. برای وقت های سختی هاست. این هم یک جور است. اینها را هفته قبل گفتم.

یک برداشت دیگر هم از دین داریم که خیلی خطرناک است. اینها این طوری می گویند که این دین اصلا کاری به کار دنیا ندارد، دین آمده فقط آخرت را آباد کند. بعد شاهد می آورند چه می گویند؟ می گویند بیش از ۲۰۰۰ آیه قرآن درباره معاد است معلوم می شود قرآن کریم با معاد کار داشته انبیا می خواستند آخرت ما را درست کنند کاری به کار دنیایی ما نداشتند و این هم یک تلقی است عیبی اینها دین را آخرت محور می دانند دنیا هر جور شد که شد. برنامه زندگی را از دین نمی گیرند حداکثر آغاز و انجام دین اینها از بعد مرگ شروع می شود. دین کدام طرف کار دارد؟ بعد مردن را. اما در قاموس فکری اینها دین با دنیای مردم هیچ کاری ندارد. این طرز تفکر خطرناک گاهی توسط دشمن کلید خورده، یعنی دشمن مکار سالوس وقتی خواست دین را کنار بزند از ابزار دین استفاده کرد خدا رحمت کند حضرت امام را، اصل قصه اش را مثنوی ذکر کرده، گفت سه نفر بودند یک آقا سیدی بود یک شیخی و یک بنده خدای امی ای بوده که سه نفری با همدیگر رفتند دزدی. صاحب خانه نگاه کرد دید زورش به سه نفر نمی رسد، چکار کنیم؟ گفت ایشان که سید اولاد پیغمبر است هر چه ما داریم مال جد ایشان است گفت آقای شیخ شما چرا دارید این کار را می کنید؟ بعد رو کرد به این آقا گفت آقای شیخ درس طلبگی خوانده است بد نیست می آید دزدی می کند با لباس پیغمبر؟ با آن دو تا دست به یکی شدند این آقا شیخ را تا می خورد زدندش این را فراریش دادند، چند نفر ماند؟ آقا سید ماند و آن بنده خدای امی. گفت هر چه داریم مال این سید اولاد پیغمبر است این امی چه می خواهد می خواهد اموال را تقسیم کند؟ گفت راست می گویند دو تایی با هم دیگر تاختند، چه کسی ماند؟ خودش و آقا سید. گفت سید اولاد پیغمبر تو از جدت خجالت نکشیدی آمدی دزدی کنی؟ بد نیست شروع کرد به جان سید اولاد پیغمبر افتادن. استعمار به شکل های مختلفی به جان دین می افتد یکی از بهترین شیوه هایش این است. شنیدم

پدري از دنيا رفت داداش ها سر ارث دعوايشان شد يك داداش خيلي با انصاف بود گفت من ارث ها را تقسيم مي كنم گفت از درب خانه تا لب بام از آن من، از پشت بام تا ثريا از آن تو. بس است ديگر، از پشت بام تا آسمان هم براي تو باشد. استعمار گرايان كه وسط آمدند اينطوري گفتند كه مي دانيد دين چقدر مقدس است؟ مي دانيد دين آمده در مردم از دنيا تنفر ايجاد كند حب الدنيا رأس كل خطيئه. عيب نيست بد نيست مي خواهي رئيس شوي كارها را به دست بگيري سازمان دهی كنی نیرو كشی كنی، اينها اين طوري می گویند. می گویند دين امری است قدسی مقدس و دنيا ناپاك. لذا گفتند به صلاح دين است دين را به امور دنيايي آغشته نكنی، دين را كثيف می كنی، اصطلاح عربيش اين طوري است می گفتند اياك و السياسه قال السياسه هي النجاسه. می گفتند وارد اين بحث ها نشويد كه آمد كه رفت به من و تو چه كه چه کسی آمد و چه کسی رفت می خواهد امام حسنی بيايد يا شمر بيايد، به من و تو چه. برو نمازت را بخوان به نمازت بچسب اياك نعبد را درست بگو ملائكه هستند با ملائكه خدا گردو بازی كن قبر و قيامت را درست كن، اين طرز تفكر زمان ائمه بوده زمان ما هم هست. چون جای ديگر به نام نام بردند آرام آرام اينكه اخم هايتان تو هم نرود عصبانی نشود ولی عیبی ندارد عصبانی هم بشويد جای بدی نمی خورد نهايتش يك مهر پرت می كنی به طرف من من هم كاغذها را بعدا نشان می دهم كه انشاء الله بی سند و مدرک حرف نمی زنم. امير المومنين در جنگ صفين دارد می جنگد آن طرف كيست در جنگ صفين؟ معاويه و اصحاب شان و اين طرف امير المومنين و اصحاب شان. کدام طرف بی نمازند؟ در جنگ صفين چه کسی نماز نمی خواند حضرت امير يا معاويه؟ جفتشان نماز می خواندند. جالب اين است كه در تاريخ اسلام آقايي داريم به نام آقاي ابو عريه موقع نماز كه می شد می آمد در صف امير المومنين پشت سر حضرت علي نماز می خواند موقع نهار كه می شد می رفت آن طرف صليب سرخ بود کسی هم باهاش كار نداشت. می گفت سفره معاويه چرب تر است و نماز علي قبول است نماز اينجا و آنجا هم غذا. در جنگ با معاويه بحثی پيش آمد كه با معاويه بجنگيم؟ نجنگيم؟ اينها نماز می خوانند. يك آقايي كه انشاء الله جرات كنم آرام آرام اسمش را بگويم يك آقايي در بين اينها خيلي عابد است در صدر اسلام می گویند ۸ تا زاهد داريم يكيش همين آقا است زهاد ثمانيه بهش می گویند زاهدان ثمانيه كه يكيش همين آقا است. اين آقا همراه ۴۰۰ نفر از صف امير المومنين جدا شد. گفتند؟ گفتند انا قد شككنا في هذا القتال. ما نمی توانيم بجنگيم. ما مسلمان خوب آنها هم مسلمانند. چكار كنيم؟ آمدند و سطر گفتند ما می رويم بالای تپه بلندی می ايستيم قرآن نگاه می گيرد نگاه كن دو طرف مسلمان ها وقتی به جان هم افتادند شما برويد به كمك مظلوم، ما نگاه می كنيم هر كس ظلم می كند ما به كمك مظلوم می رويم. امير المومنين ديد اين مار است در آستين در سپاه امير المومنين است شام و نهار حضرت امير را می خورد می خواهد به كمك معاويه برود حضرت گفت چكار كنيم؟ گفتند ما در اين جنگ شمشير نمی كشيم. گفت ما را بفرست سرحدات مرزها را نگرهانی دهيم آنجا ديگر نماز نخوانند جنگ با آنها مشكل ندارد. خوب اين آقاي رئيس همراه آن ۴۰۰ نفر تشریف آوردند اين طرف ها آرام آرام يكيشان گذرشان به مشهد افتاد سربسته بگويم، اينها ذره ذره فقط نماز و عبادت و كار به جايی رسيد در دنياي اسلام ولوله شد سال ۶۱ چه حادثه بزرگی در دنياي اسلام اتفاق افتاد؟ عاشورا پيش آمد خون مطهر سيد الشهداء كه ريخت دنياي اسلام تكان خورد. اين آقا كه اسم كوچكش ربيع است اين هم شنيد سيد الشهداء را كشتند. زمخشري در تفسير كشاف می گوید اين آقا وقتی شنيد سيد الشهداء را كشتند خيلي ناراحت شد گفت پسر پيغمبر را اين امت كشتند دستش را زد پشت دستش گفت عجب امت بدی، پسر پيغمبر خودشان را كشتند، همين اندازه اظهار نظری در رابطه با قتل

سید الشهداء کرد. یک دفعه مثل کسی که از خواب بیدار شده باشد خودش را نهیب زد که ربیع، به تو چه که در دنیا دخالت می کنی؟ این می خواهد رئیس شود یا آن می خواهد، به تو چه؟ آیا حسین ابن علی دنیا است که اگر ما از حسین ابن علی بحث کردیم که چه کسی کشتش و چه کسی نکشتش از دنیا داریم بحث می کنیم؟ یا حسین ابن علی دین و دنیا و آخرت ما هست؟ کدامش هست؟ امام ماست حیات ما به او وابسته است یادش آمد که اشتباه کردیم چرا به جای ذکر گفتن گفتیم حسین ابن علی را کشتند؟ فوراً دست پشت دستش زد شروع کرد استغفر الله گفتن، استغفر الله یعنی چرا حسین ابن علی را کشتند یا چرا من حرف زدم؟ استغفر الله یعنی چرا اظهار نظر کردم که حسین ابن علی را کشتند؟ استغفر الله ربی و اتوب الیه. این هم یک جور دین داری است. کار به جایی رسید مرحوم آیت الله آقای خوبی کتابی در دانش رجال دارد که از مفاخر دانش رجال است معجم رجال الحدیث خیلی کتاب سنگین و قوی کتاب دوران پختگی عمر ایشان است بالای ۶۰ سال سنش بوده که این کتاب را نوشته است. ایشان در آن کتاب رجال تو ضیح می دهد که این شخصیت آدم منحرفی بوده، خیلی ها باور نکردند. گفتیم اسمش چه بوده است؟ ربیع دنباله اش هم یاد بگیر، ربیع ابن حثیم. در فارسی زبان ها که آمد خواجه هم اولش اضافه کردند، حالا اسمش را یک نفر کشف کند از چه کسی دارم حرف می زنم؟ مرحوم آقای خوبی تصریح کرد که این طوری است، آقا شیخ عباس قمی استادی دارد که خیلی خودش او را قبول دارد ما هم قبولش داریم واقعا مرد با سواد است آقا میرزا حسین نوری رضوان الله علیه که کتابی دارد به نام نفس الرحمن فی احوال مولانا سلمان، دو برابر این کتابی است که الان به شما نشان می دهد، نفس الرحمن فی احوال مولانا سلمان، اسم کتاب عربی است ولی کتاب ملمی است فارسی و عربی با هم نوشته شده است. مبسوط ایشان آنجا توضیح می دهد که ربیع ابن حثیم چه کسی است؟ دیگر شما چون اسمش را لو دادید من همان اسم عربیش را تلفظ می کنم. عالم بزرگ دنیای شیعه سید محسن امیر عاملی کتابی دارد به نام اعیان الشیعه، این تابلویی که اینجا است نمی دانم چه نوشته، این کتابی دارد به اندازه تقریباً دو برابر این طول و عرضش است اعیان الشیعه لیست علمای اسلام را دارد ردیف می کند و به مناسبت از این آقا آنجا بحث می کند. سید محسن امین عاملی می گوید کسانی که می خواستند فضیلت بترانشند برای ربیع ابن حثیم دیدند چیزی بگویم ایشان هم کاری کرده، این چکار کرده؟ برایش فضیلت تراشیدند که کان معلم رضا علیه السلام، ایشان معلم امام هشتم علیه السلام، دروغ که استخوان ندارد یک آدم را بگیرد خفه کند. سید محسن امین عاملی می گوید حضرت رضا امام معصوم است علم لدنی دارد دیدند این یکی نگرفت یک دروغ دیگر چسباندند قلک باید بچرخد دیگر باید عنوانی داشته باشد. جمله ای از حضرت رضا نقل کردند گفتند امام هشتم گفت من که ایران آدم غیر از زیارت ربیع خاصیتی برای من نداشته است. لا حول و لا قوه الا بالله، اینها از منحرفین مکتب امامت بوده از منحرفین. چند نفر را نام بردم؟ مرحوم آقای خوبی کجا؟ معجم الرجال حدیث، دو مرحوم آقا میرزا حسین نوری رضوان الله علیه کتاب نفس الرحمن فی احوال مولانا سلمان، این شد دو تا، سید محسن امین عاملی شد سه تا، علمای درجه یک اسلام، شهید مطهری رضوان الله به زبان فارسی کتابی دارد به نام حماسه حسینی آنجا هر چقدر داد می زند کسی گوش نمی کند این شد چند تا؟ چهار تا. شهید هاشمی نژاد کتابی دارد به نام درسی که از حضرت سید الشهداء یاد گرفتیم. ایشان هم اعتراض می کند بحمد الله گوش نمی کنند. چه شده است؟ چون یک آقای نماز اسلام می خواهد قرار بگیرد که عابد و زاهد و حرف نمی زند فرقی نمی کند امام حسین بیاید یا شمر بیاید. این می شود نماد اسلام.

این طرز تفکر طرفداران متعددی دارد یکیش دشمنان اسلام به شدت از این طرز تفکر راضی هستند چرا؟ چون عملا دنیا را به دست طرف مقابل سپرده. یک عده دوستان جاهل و نادان ما داریم که می گویند ما چکار به کار این حرف ها داریم؟ روزه شک دار چرا بگیریم؟ حرف نزنیم دینمان سالم تر نمی ماند؟ ساکت بمانیم. نه آقا سعدی می گوید دو چیز تیره عقل هستند فرو بستن به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی. در اسلام نه حرف نزدن ارزش است نه ساکت ماندن ارزش است نه حرف زدن، هیچ کدامش، باید پیدا کنیم کجا حرف بزنیم و کجا ساکت بمانیم؟ اگر در جایی که باید حرف بزنی ساکت بمانی، امام صادق سلام الله و صلواته علی فرمود در بین بنی اسرائیل عابدی وجود داشت در خانه خودش داشت عبادت می کرد دید صدای خروس از سر کوچه می آید دارند اذیتش می کنند. در خانه اش را باز کرد دید دو تا نوجوان ۱۳ و ۱۴ سال افتادند به جان یک خروس دارند پرش را می کشند به زور دارند می کشند پر حیوان خونی می شود و داد می زند حیوان. نگاه کرد آدم است دیگر افتاده به جان این خروس بچه اند چکار کنم؟ برگشت ظلم به حیوان را دید برگشت خانه خودش گفت الله اکبر مثلا به نماز خودش رسید. امام صادق ما فرمود خدا آن بلایی را سر عابد بنی اسرائیل آورد که سر قارون آورد، قارون چکار کرد؟ سوره مبارکه قصص، فحسنا به و بداره الارض. خودش و خانه اش را زمین دهان باز کرد و بلعید. این عابد زاهدی که رفته بود نماز بخواند نه توهین کند یا رفتار خلاف شرع انجام دهد، زمین امام صادق فرمود این را بلعید، چرا؟ به چه جرمی؟ به چه گناهی؟ ظلم را دید به جای اینکه اعتراض کند سکوت اختیار کرد هر سکوتی در اسلام ارزش نیست برادران

قرآن کریم را نگاه کنید، موسی کلیم رسول کریم است قرآن خیلی موسی را بزرگ می داند گفت سوره مبارکه طه آقا موسی تو را برای خودم درست کردم خیلی آدم بزرگی است موسی کلیم، و قربناه نجیئا نجوا کنان موسی را جلو آوردیم موسی خیلی بزرگ است بماند. سوره مبارکه قصص قرآن کریم گفت موسی از کاخ فرعون آمده بیرون دو نفر دارند دعوا می کنند موسی می گوید بزنند همدیگر را آن چه فراوان است کله است بگذار بزنند سر هم دیگر. این طوری نیست موسی دید دو نفر دارند دعوا می کنند حساسیت به خرج داد وجد فیها رجلین اقتتلا دو تا دارند دعوا می کنند هذا من شیعتی و هذا من عدوه. آن یکی زور موسی را دیده بود داد زد آقا موسی به داد ما برس، موسی هم رفت جلو و فتذهوا یک مشت زد الحمدلله به درک واصل شد. مشت زدنش را نبین به کمک طرف مقابل رفتنش را ببین، باز همین قرآن کریم فرمود موسی دارد فرار می کند از دست فرعونیات فلما توجه ما مدین، به سمت سرزمین مدین که می خواهد حرکت کند می بیند دو تا خانم آنجا هستند یک عده چوپان هم این طرف هستند ما با شیم یک صحنه عادی است دیگر موسی کلیم ماند چرا؟ نگاه کرد این خانم ها مراقبند که گوسفند هایشان با گوسفندان آنها قاطی نشود خیلی مختصر و مفید از این خانم ها سوال کرد، ما خطبکما، چرا دور ماندید؟ گفت جلو نمی آیم با مردها قاطی نمی شویم تا اینکه اینها بروند بعد نوبت ما بشود اینها بروند بعد ما بیاییم، و ابونا شیخ کبیر، گفت بابایمان یک پیر مردی است چون مرد در خانه نداریم خانم ها باید بیایند و سطر جامع کار کنند. موسی چکار کرد؟ گفت انشاء الله برایتان دعا میکنم خدا بابایتان را شفا دهد انشاء الله. بابا اینجا جای دعا کردن نیست جای آستین بالا زدن است موسی در همین سوره مبارکه قصص ۴ و ۵ ابر پی در پی دعا می کند رب انی لما انزلت الی من خیر قلیل و رب فلان و رب فلان، به اینجا که رسید دیگر رب ندارد، اینجا باید چکار کرد؟ باید آستین بالا زد. شما یک فقیر را سر کوچه ببینید نان گرم هم دستتان باشد آن هم از گشگی دارد غش می کند. شما بگوئید خدا انشاء الله غنی قرارتان

دهد خدا انشاء الله نسلتان را پر برکت کند؟ بابا نان بهش بده بخورد دارد می میرد. آن جا که باید به داد برسی، خدا رحمت کند خانم پروین را، گفت به هنگام درو گاوت گرو چو باز آوردیش وقت درو، فیلم مختار را دیدی مختار هیچ وقت سر جای خودش نیست آنجا باید بیاید بیرون در زندان است آنجا که باید در زندان با شد بیرون است تا آخر مختار که مختار از زندان در می آید.

خیلی عبارت آورده بودم برایتان بخوانم، امام در وصیت نامه بند ب همان اوایل وصیت نامه اش، امام می گوید یک کار خطرناکی را دشمن موزی انجام می دهد یک دفعه دشمن می آید این طوری می گوید که دین ۱۴۰۰ سال قبل الان به درد نمی خورد باید برود کنار. این حربه در دین مسلمان ها جا نمی افتد امام بحث علمی می کند که لازم باشد هفته بعد می گویم. گاهی هم این طوری می گویند که دین خیلی مقدس است در عرصه سیاست و اجتماع نیابردیش دین را کثیف و آلوده می کنی، من به این دو گوش خودم شنیدم که خیلی از متدینین ما می گفتند انقلاب نمی کردیم مردم مسلمان تر نمی ماندند؟ به گوش خودم شنیدم که دارم عرض می کنم انگار انقلاب انجام دادن مجلس عقد است که دلمان بخواهد برویم بیاییم. انقلاب وظیفه امام بود انجام دهد وظیفه شهدا بود که حرکت کنند. امروز حفظ انقلاب وظیفه ماست دل بخواه ما نیست امام فرمودند حفظ نظام از اوجب واجبات است حفظ نظام اسلامی از اوجب واجبات است یعنی واجب ترین واجب امروز است. امام توضیح می دهد می گوید برای اینطور از اشخاص اینطوری بگو که خدا در قرآن گفت پیغمبر الگوست سوره مبارکه احزاب سوره ۳۳ قرآن کریم آیه ۲۵ به ما اینطوری یاد داد، لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجو الله یوم الآخر و صدق الله کثیرا. اگر الگوی شما پیغمبر است پیغمبر فقط در مسجد نمی رفت پیغمبر آمد لشکر کشی کرد جنگ کرد چکار کرد یک مسجد را هم پیغمبر دستور داد آتش بزنند زباله دانی درست کنند قرآن کریم سوره مبارکه توبه بحث مسجد ضرار، پیغمبر فقط مسجد درست نکرد گاهی هم مسجد را به امر الهی آتش زد مسجدی که منافقین درست کرده بودند پیغمبر دستور داد بعد از آتش زدن آنجا را زباله دانی درست کنند قرآن کریم هم گفت یا رسول الله هرگز پایت را در آن مسجد نگذارید. لا تقل فیه ابدا. امام فرمود پیامبر آمد وسط حکومت تشکیل داد حضرت یوسف آمد وسط حکومت تشکیل داد موسی کلیم فرعون را زمین زد حکومت تشکیل داد سلیمان ابن داوود حکومت تشکیل داد، قرآن کریم می گوید ذوالقرنین چه داشته است؟ حکومت تشکیل داده، سلیمان حکومت تشکیل داده، داوود حکومت تشکیل داده، چرا اینها را نمی بینید؟ امام فرمود عده ای وقتی وارد می شوند می گویند دین با صحنه اجتماع کار نباید داشته باشد این جمله را بگویم چون فرمودند وقت تمام است بقیه حرف ها را جلسه بعد عرض می کنم.

برادران امیر المومنین نماز صبح می خواند در قنوت فکر می کنی چه می خواند؟ وسط جنگ صفین. آن طرفش هم سوال کنم ضرر ندارد معاویه هم نماز صبح به جماعت می خواند آن هم قنوتش را بدانید خیلی چیز شیرینی است. ابن حدید شارع معتزلی نهج البلاغه از برادران اهل سنت ولی خیلی خیلی با سواد است او می گوید حضرت امیر نماز صبح می خواند ده نفر را وسط نماز در قنوت به نام لعنت می کرد. شما اینطور نماز فکر نکنم به عمرتان خونده باشید، وسط نماز حضرت امیر می گفت خدایا معاویه را لعنت کن ابو موسی اشعری را لعنت کن، نفرین می کرد می گفت خدایا عمرو عاص را لعنت کن ده نفر، جالب این است ابن ابی الحدید می گوید آنها هم در نماز صبحشان می گفتند خدایا علی را لعنت، و هم یلعنوه. یعنی آنها هم حضرت امیر را لعنت می کردند. حالا اگر ما در نماز به این آقا بگوییم وسط نماز بگو خدایا اسرائیل را مرگ بده آن

یک می گوید حتما نماز باطل شده است و لش کن، بعد نماز می گویی مرگ بر آمریکا، می گوید بگذار اول سبحان الله بگویم. این اگر زمان امیر المومنین بود مرگ بر معاویه می گفت یا نمی گفت؟ به گمان من به جان علی مرتضی بعید می دانم مرگ بر معاویه می گفت. آمریکای زمان حضرت امیر کیست؟ این نباید بتوانی پیدا کنی دیگر، خدا شهید مطهری را رحمت کند می فرماید شمر زمان خودت را بشناس و بعد نام می برد می گفت موشه دایان آدمی بود چشمش این طوری بود رژیم صهیونیستی، گفت شمر زمان خودت را بشناس. برادران دین نخودچی کشمش نیست که ما دستچین بگویم نخودهایش را می خوریم کشمش هایش برای دیگری بماند. حق این کار را نداریم. قرآن کریم فرمود خدا این کتاب را فرستاده مجموع این کتاب را از شما می خواهد. اتومنون ببعض الكتاب و تکفرون ببعض، نومن ببعض نکفر ببعض نداریم. خوب دو کتاب آورده بودم می خواستم نکاتی را عرض کنم که می ماند برای جلسه بعد که آیا ما دینمان فقط به آخرت کار دارد یک قنوت با هم بخوانیم و تمام. بسم الله الرحمن الرحیم ربنا اتنا فی الدنیا حسنه، ناقلا خیال می کند فقط ماشین بنز از خدا می خواهد نه آقا، تکالیفت را خوب در دنیا انجام دهی فی الدنیا حسنه است و فی الآخره حسنه، دین ما می گوید از ما نیست کسی که دنیا را ول کند بگوید من به آخرت چسبیدم. چنان چه دین ما می گوید از ما نیست کسی که به آخرت بچسبد با دنیا کار نداشته باشد. تا اینجا واضح شد؟ ما آن کسانی را که دین را دستچین می کنند می گویند ما حرف های آخرتش را می خواهیم و حرف های دنیایش را نمی خواهیم حق این کار را نداریم. صلوات مرحمت بفرماید.